

زبان قرآن و مسائل آن

دکتر محمدباقر سعیدی روشن

پاییز ۱۳۹۶

سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۴۰ -

زبان قرآن و مسائل آن / محمدباقر سعیدی روشن. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹. هجده، ۳۸۹ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۶۹. علوم قرآنی؛ ۱۳) و (سمت؛ ۱۳۳۳. علوم قرآن و حدیث؛ ۳۲).

ISBN: 978-600-5486-32-2

بهاء: ۵۹۵۰ تومان

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۳۳۹] - ۳۵۸؛ همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. قرآن - مسائل لغوی. ۲. قرآن - علوم قرآنی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. عنوان.

۲۹۷/۱۵۳

BP ۸۲/۲ / س ۲۷ / ۱۳۸۹

۱۹۶۰۱۸۳

شماره کتابشناسی ملی



زبان قرآن و مسائل آن

مؤلف: دکتر محمدباقر سعیدی روشن

ویراستار: غلامرضا بیات

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۶ (چاپ دوم: بهار ۱۳۹۱)

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰)، نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰.

ص. پ. ۳۷۱۸۵۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی آسکو، پلاک ۴، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۶۶۶۴۰۲۶۰۰

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ‌گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن:

۴۴۲۴۴۸۷۷۷ • تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir info@samt.ac.ir



شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به
شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید و تدریس قرآن در
هر رشته‌ای از آن را مدّ نظر و مقصد‌اعلای خود قرار دهید.

صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۶

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، سی و دومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب زبان قرآن و مسائل آن به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث‌گران قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و

ارزش‌های انسانی اسلامی و تطبیق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست اجمالی

۱	مقدمه ویراست دوم
۳	مقدمه
۷	فصل اول: کلیات و مفاهیم زبان، زبان دین و زبان قرآن
۳۱	فصل دوم: زبان دین و دیدگاه‌های سنتی غرب
۴۵	فصل سوم: یوزیتویسم و بی‌معنایی زبان دین
۶۵	فصل چهارم: تحلیل زبانی و کارکردگرایی زبان دینی
۸۳	فصل پنجم: نمادگرایی در زبان دینی
۱۰۱	فصل ششم: واقع‌گرایی و شناختاری بودن زبان دین
۱۱۹	فصل هفتم: تمایز میانی و زمینه‌های فکری اسلام و آیین یهودی - مسیحی
۱۵۷	فصل هشتم: زبان قرآن در ساحت مفردات
۱۷۷	فصل نهم: منطق و زبان گفتمان قرآن (زبان عرفی فراعرفی)
۲۰۳	فصل دهم: زبان قرآن و نقش معرفت‌بخشی و انگیزشی
۲۳۱	فصل یازدهم: توجیه معرفت‌بخشی مفاهیم قرآن
۲۵۳	فصل دوازدهم: زبان قرآن حیرت‌آفرین یا فیصله‌بخش؟
۲۸۳	فصل سیزدهم: زبان چندبعدی قرآن
۳۱۷	فصل چهاردهم: قرآن، نزول تاریخی، حضور فراتاریخی (زبان فراعصری قرآن)
۳۳۹	منابع و مأخذ
۳۵۹	نمایه‌ها

فهرست تفصیلی

۱	مقدمه ویراست دوم
۳	مقدمه
۵	هدف
۵	نتایج
۶	نوآوری
۷	فصل اول: کلیات و مفاهیم زبان، زبان دین و زبان قرآن
۷	۱. مفهوم زبان
۸	۲. کاربرد واژه در قرآن
۹	۳. ارتباط لفظ و معنا
۱۰	۴. سطوح گوناگون در زبان گفتاری
۱۰	۱-۴. سطح نظام آوایی
۱۰	۲-۴. سطح نظام دستوری
۱۱	۳-۴. سطح نظام معنایی
۱۲	۵. تقسیمات زبان
۱۲	۱-۵. زبان اخباری و انشائی
۱۳	۲-۵. زبان حقیقی و زبان مجازی
۱۴	۳-۵. زبان نمادین و غیر نمادین
۱۶	۶. موقعیت‌های معنایی و زبان‌های مختلف
۱۷	۷. زبان و واقعیت
۱۸	۸. زبان، جهان‌بینی و نظام ارزشی
۱۹	۹. فلسفه زبان
۲۱	۱۰. زبان دین

۲۲	زمینه‌ها و ضرورت‌ها
۲۳	۱۱. زبان قرآن
۲۳	۱-۱۱. ضرورت و اهمیت
۲۵	۲-۱۱. زبان دین و زبان قرآن خاستگاه‌های مشترک و متمایز
۲۶	۳-۱۱. مسائل اساسی زبان قرآن
۲۷	○ خلاصه و مرور
۲۸	○ خودآزمایی معلومات
۲۹	○ پژوهش و اندیشه
۲۹	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۳۱	فصل دوم: زبان دین و دیدگاه‌های سنتی غرب
۳۱	۱. پیش‌زمینه‌های طرح زبان دین
۳۱	۱-۱. الهیات و زبان متون دینی
۳۳	۲-۱. تفسیر متون دینی
۳۴	۲. نظریه‌های زبان دین در حوزه تفکر یهود
۳۶	۳. نظریه‌های زبان دین در قلمرو دیانت مسیح‌الصلوات
۴۰	۴. برآورد کلی دیدگاه‌های سنتی در زبان دین
۴۱	○ خلاصه و مرور
۴۳	○ خودآزمایی معلومات
۴۳	○ پژوهش و اندیشه
۴۳	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۴۵	فصل سوم: پوزیتیویسم و بی‌معنایی زبان دین
۴۵	مقدمه
۴۵	۱. عصر جدید
۴۶	۲. برخی زمینه‌های پیدایش عصر جدید
۴۷	۳. مؤلفه‌های فکری عصر جدید
۴۷	۳-۱. تعمیم روش معرفتی تجربی
۴۹	۳-۲. ذهن‌گرایی کانت
۵۱	۴. رویکرد پوزیتیویستی و بی‌معنایی زبان دین
۵۴	۵. معیارهای معناداری از دیدگاه پوزیتیویست‌ها
۵۴	۵-۱. تحقیق‌پذیری
۵۶	۵-۲. تأییدپذیری تجربی
۵۷	۵-۳. ابطال‌پذیری

۵۸	۶. ارزیابی و نقد
۶۰	○ خلاصه و مرور
۶۲	○ خودآزمایی معلومات
۶۲	○ پژوهش و اندیشه
۶۲	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۶۵	فصل چهارم: تحلیل زبانی و کارکردگرایی زبان دینی
۶۵	۱. پیش‌زمینه‌های نظریه کارکردگرایی در زبان دین
۶۷	۲. بازی‌های زبانی ویتگنشتاین متأخر
۶۷	الف) کارکردهای مختلف زبان
۶۷	ب) معنای زبان در پرتو کاربرد
۶۸	ج) صورتهای مختلف زندگی
۶۸	د) فهم هر زبان با شرکت در حیات آن
۶۹	۳. لوازم دیدگاه زبان‌های مختلف
۶۹	یک) نفی معیار مشترک و فراگیر
۷۰	دو) ایمان‌گرایی و نفی عقلانیت
۷۲	۴. زبان انشائی - اخلاقی
۷۴	۵. زبان تحریکی دین
۷۴	۶. کارکردهای فردی و اجتماعی دین
۷۵	۷. نقد کارکردگرایی
۷۵	یک) کارکردگرایی با کدام مبنا؟
۷۵	دو) غفلت از گوهر اصلی زبان
۷۶	سه) داوری بر ضد داوری
۷۶	چهار) ابهام در مفهوم صورتهای زندگی
۷۷	پنج) نبود راهبرد جامع به زبان دین
۷۷	شش) نفی درک وجدانی
۷۸	هفت) درک نادرست از ساختار زبان دینی
۷۸	○ خلاصه و مرور
۸۰	○ خودآزمایی معلومات
۸۰	○ پژوهش و اندیشه
۸۱	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۸۳	فصل پنجم: نمادگرایی در زبان دینی
۸۳	مقدمه

۸۴	۱. مفهوم نماد
۸۵	۲. پیش‌زمینه‌های نمادانگاری زبان دین
۸۷	۳. دیدگاه‌ها و تقریرها از نمادانگاری زبان دین
۸۷	۱-۳. مجازی، کنایی و تمثیلی
۸۸	۲-۳. مفاهیم دین با زبان تصویری
۸۹	۳-۳. مجاز تحویل‌ناپذیر
۹۰	۴-۳. نماد ذهن‌گرا
۹۲	۴. عوامل طرح زبان نمادین در دین
۹۲	۱-۴. تعالی الهیات
۹۲	۲-۴. نارسایی زبان انسان برای تعبیر از حقایق دینی
۹۲	۳-۴. پرهیز از تشبیه‌گرایی
۹۳	۴-۴. دین برای حیرت‌افکنی
۹۴	۵. ارزیابی و تحلیل
۹۶	○ خلاصه و مرور
۹۸	○ خودآزمایی معلومات
۹۹	○ پژوهش و اندیشه
۹۹	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۱۰۱	فصل ششم: واقع‌گرایی و شناختاری بودن زبان دین
۱۰۱	مقدمه
۱۰۲	۱. مبانی نظریه واقع‌گرایی
۱۰۲	۱-۱. اذعان به وجود واقعیت عینی (در حوزه هستی و دین)
۱۰۴	۲-۱. وسعت قلمرو واقعیت (واقعیت وسیع‌تر از مُدَرک ما)
۱۰۴	۳-۱. امکان شناخت واقع
۱۰۵	۴-۱. واقع‌گرایی انتقادی
۱۰۵	۲. دلایل واقع‌گرایی
۱۰۵	۱-۲. حکایتگری ماهیت علم
۱۰۶	۲-۲. مسلمات جامعه علمی
۱۰۷	۳-۲. امتناع دو نظریه متناقض
۱۰۷	۴-۲. فهم‌پذیری، معیار شناخت واقع
۱۰۷	۵-۲. تصویر واقعیت، ویژگی اصلی زبان
۱۰۸	۳. تقریرهای گوناگون از واقع‌گرایی
۱۰۸	۱-۳. احیای نظریه حمل تمثیلی
۱۱۰	۲-۳. معیار فراگیرتر برای آزمون واقعیت دین

۱۱۱	۳-۳. تحقیق پذیری اخروی
۱۱۲	۴. نقد و بررسی
۱۱۴	○ خلاصه و مرور
۱۱۶	○ خودآزمایی معلومات
۱۱۷	○ پژوهش و اندیشه
۱۱۷	○ منابعی برای مطالعه و دانش افزایی
۱۱۹	فصل هفتم: تمایز مبانی و زمینه‌های فکری اسلام و آیین یهودی - مسیحی
۱۱۹	۱. زمینه‌ها و مبانی دینی غرب
۱۱۹	۱-۱. دست‌نوشته‌های بشری جانشین وحی آسمانی
۱۲۰	۱-۲. نارسایی مفاهیم دینی برخاسته از متون بشری
۱۲۰	۱-۲-۱. خدای تجسیم
۱۲۱	۱-۲-۲. پیامبری نامقدس
۱۲۲	۱-۲-۳. وحی در هاله ابهام
۱۲۴	۱-۲-۴. اعجاز یا هر کار شگفت
۱۲۶	۱-۲-۵. آلوده‌تباری انسان
۱۲۷	۱-۲-۶. ممنوعیت شناخت حقیقت
۱۲۷	۱-۳. تعطیل عقل
۱۲۸	۱-۴. تحدید علم
۱۲۸	۱-۵. ناسازگاری‌های درونی متون مقدس
۱۲۹	۲. واکنش‌های دوران جدید
۱۲۹	۱-۲. انفصال و رویارویی علم و دین
۱۳۰	۲-۲. تعمیم تجربه‌گرایی
۱۳۰	۳-۲. استنتاجات متافیزیکی
۱۳۰	۴-۲. نهضت اصلاح دینی
۱۳۱	۵-۲. فلسفه‌های گوناگون
۱۳۱	۶-۲. رهاوردها و نتایج
۱۳۴	۳. زمینه‌های دینی - فکری جهان اسلام
۱۳۴	۱-۳. قرآن، وحی صیانت‌شده خدا
۱۳۷	۲-۳. محتوای قرآن
۱۴۷	۴. آثار فکری، فرهنگی
۱۴۷	۱-۴. سازگاری علم و دین
۱۴۸	۲-۴. خدای قیوم
۱۴۹	۳-۴. کمال شریعت

۱۵۱	۴-۴. خردبنیادی و نگرش جامع به هستی
۱۵۲	○ خلاصه و مرور
۱۵۵	○ خودآزمایی معلومات
۱۵۶	○ پژوهش و اندیشه
۱۵۶	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۱۵۷	فصل هشتم: زبان قرآن در ساحت مفردات
۱۵۷	مقدمه
۱۵۸	۱. مفهوم حقیقت
۱۵۸	۲. مفاد وضع
۱۶۶	۳. بافت سخن و معنا در مقام کاربرد
۱۶۷	۴. فرهنگ و ساختار قرآن
۱۶۸	۵. تحول معانی الفاظ در اثر دگرگونی نظریه‌ها؟
۱۷۲	۶. گروه‌بندی واژگان قرآنی
۱۷۳	۷. راهکار شناخت واژگان قرآنی
۱۷۴	○ خلاصه و مرور
۱۷۵	○ خودآزمایی معلومات
۱۷۵	○ پژوهش و اندیشه
۱۷۵	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۱۷۷	فصل نهم: منطق و زبان گفتمان قرآن (زبان عرفی فراعرفی)
۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	۱. مفاهیم مقدماتی
۱۷۸	۱-۱. استخدام الفاظ برای تفهیم و تفاهم
۱۷۸	۲-۱. زبان آمیزه‌ای از محتوا و ساختار
۱۷۸	۳-۱. عرف عام و عرف خاص
۱۷۹	۴-۱. زبان، معنای پایه و معنای کاربردی
۱۷۹	۲. روش شناسایی منطق گفتار قرآن
۱۸۱	۳. دیدگاه‌ها در زبان قرآن
۱۸۱	۳-۱. عرف عام
۱۸۴	۳-۲. زبان ترکیبی
۱۸۵	۳-۳. عرف خاص
۱۸۶	۴-۴. زبان عرفی فراعرفی
۱۸۶	یک) زبان اعجازی قرآن

۱۸۷ (دو) انتفاع همگانی در زبان بینشی
۱۸۸ سه) نظام‌های ارزشی توحیدی
۱۸۹ چهار) سبک قرآن
۱۹۰ پنج) زبان ظاهر و باطن
۱۹۱ شش) زبان و فرهنگ قرآن و زبان و فرهنگ پیش از قرآن
۱۹۲ هفت) زبان قرآن، معانی و مقاصد آن
۱۹۵ هشت) زبان قرآن، دو نقش توأمان توصیفی توصیه‌ای
۱۹۶ نه) زبان زنده و فراعصری
۱۹۷ ○ خلاصه و مرور
۲۰۲ ○ خودآزمایی معلومات
۲۰۲ ○ پژوهش و اندیشه
۲۰۲ ○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۲۰۳ فصل دهم: زبان قرآن و نقش معرفت‌بخشی و انگیزشی
۲۰۳ مقدمه
۲۰۴ ۱. هدف غایی و هدف واسطه‌ای
۲۰۴ ۲. دین ترکیبی از گزاره‌ها و آموزه‌ها
۲۰۶ ۳. رابطه دین و اخلاق؟
۲۰۸ ۴. ارزیابی کلی جملات قرآن
۲۰۸ ۴-۱. گزاره‌های قرآن، بیان واقعیت‌های نفس‌الامری
۲۱۰ ۴-۲. آموزه‌های دینی قرآن و مصالح نفس‌الامری
۲۱۰ ۵. ارتباط «باید» و «هست»
۲۱۳ تحلیل کلی‌تر از بایدهای ارزشی
۲۱۵ ۶. تصریح بر نقش دوگانه
۲۱۶ ۷. اوصاف قرآن
۲۱۷ ۸. نقش تلفیقی در دو گروه جمله‌ها
۲۱۸ جمله‌های اخباری
۲۱۹ جمله‌های انشائی
۲۲۲ ۹. نگرش کارکردگرایانه به قصص قرآن
۲۲۴ بررسی و نقد
۲۲۷ ○ خلاصه و مرور
۲۲۹ ○ خودآزمایی معلومات
۲۳۰ ○ پژوهش و اندیشه
۲۳۰ ○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی

۲۳۱	فصل یازدهم: توجیه معرفت‌بخشی مفاهیم قرآن
۲۳۱	مقدمه
۲۳۱	۱. مبانی نظری معرفت‌بخشی قرآن
۲۳۲	۱-۱. هستی‌شناختی فراگیر
۲۳۲	۲-۱. معرفت‌شناختی فراگیر
۲۳۵	۳-۱. مبنای زبان شناختی
۲۳۶	۲. روش تحقیق در مدعیات دینی
۲۳۸	۳. دلایل معرفت‌بخشی دعاوی دینی
۲۳۹	۱-۳. تحلیل عقلی معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآن
۲۴۰	۱-۱-۳. تنزیه‌گرایی متکلمان جدید
۲۴۱	۲-۱-۳. تحدید دامنه مجازگرایی در قرآن
۲۴۲	۳-۱-۳. تمایز مجاز ادبی و فلسفی
۲۴۲	۲-۳. فلسفه زبان تصویر واقعیت
۲۴۳	۳-۳. رویکرد عقل‌انگیزی قرآن
۲۴۴	۴-۳. استدلال‌ورزی قرآن
۲۴۷	۵-۳. قرآن و جهان‌بینی آیه‌محور
۲۴۸	۶-۳. قرآن و جهان‌بینی غیب و شهود
۲۴۹	۷-۳. معرفت‌بخشی آموزه‌های قرآن
۲۵۰	○ خلاصه و مرور
۲۵۲	○ خودآزمایی معلومات
۲۵۲	○ پژوهش و اندیشه
۲۵۲	○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۲۵۳	فصل دوازدهم: زبان قرآن حیرت‌آفرین یا فیصله‌بخش؟
۲۵۳	مقدمه
۲۵۴	۱. معما‌نگاری زبان قرآن
۲۶۰	۲. نقد و نظر
۲۶۵	۳. نظریه فیصله‌بخشی
۲۶۵	۱-۳. روش عقلا تفهیم معنا
۲۶۶	۲-۳. غرض یا نقض غرض
۲۶۶	۳-۳. دلیل وجدانی
۲۶۷	۴-۳. شواهد کتاب و سنت
۲۶۸	۴. نمونه‌ای از معارف و آموزه‌های گویای قرآن
۲۶۸	الف) توحید

۲۷۲ (ب) معاد و انسان
۲۷۳ (ج) نبوت
۲۷۴ (د) ارزش‌ها و آموزه‌های قرآنی
۲۷۶ ۵. ویژگی‌های معارف قرآن
۲۷۶ الف) خردپذیری و خردپروری
۲۷۷ (ب) هماهنگی با فطرت و سرشت مشترک انسان
۲۷۷ (ج) واقع‌گرایی و اعتدال
۲۷۸ ○ خلاصه و مرور
۲۸۱ ○ خودآزمایی معلومات
۲۸۱ ○ پژوهش و اندیشه
۲۸۱ ○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۲۸۳ فصل سیزدهم: زبان چندبعدی قرآن
۲۸۳ مقدمه
۲۸۳ ۱. ظاهرگرایی و زبان تک‌وجهی قرآن
۲۸۴ ۱-۱. نگرش تک‌بعدی به زبان و معنا
۲۸۴ ۱-۲. نفی مجاز
۲۸۶ ۱-۳. توقف و پرهیز از تأویل (تفویض)
۲۸۷ ۱-۴. پیوند با حدیث محوری
۲۸۸ ۲. بررسی و نقد نظریه ظاهرگرایان
۲۸۹ ۱-۲. اکتفا به نازل‌ترین سطح زبان
۲۸۹ ۲-۲. غفلت از ساختار فرهنگی قرآن
۲۸۹ ۲-۳. خلط معنا با مصداق
۲۸۹ ۲-۴. نگرش محدود به منابع
۲۹۰ ۲-۵. نادیده گرفتن مرجعیت محکمت
۲۹۲ ۲-۶. دیدگاه اندیشمندان مسلمان
۲۹۴ ۲-۷. نتایج نامقبول
۲۹۵ ۳. تأویل‌گرایی و زبان گسترش‌پذیر قرآن
۲۹۵ ۱-۳. باطنیان
۲۹۹ ۲-۳. متصوفان
۳۰۲ ۳-۳. طبیعت‌گرایان جدید و زبان تأویلی قرآن
۳۰۲ ۳-۳-۱. راهبردهای پوزیتیویستی
۳۰۴ ۳-۳-۲. تلاش در ناسوتی‌انگاشتن وحی
۳۰۶ ۳-۳-۳. هرمنوتیک فلسفی و قرائت‌های متعدد

۳۰۷ ۴. زبان قرآن، ماهیت چندوجهی، چندبُعدی
۳۰۸ ۱-۴. ماهیت چندوجهی زبان قرآن
۳۰۹ ۲-۴. ماهیت چند سطحی زبان قرآن
۳۱۲ ○ خلاصه و مرور
۳۱۵ ○ خودآزمایی معلومات
۳۱۵ ○ پژوهش و اندیشه
۳۱۵ ○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۳۱۷ فصل چهاردهم: قرآن، نزول تاریخی، حضور فراتاریخی (زبان فراعصری قرآن)
۳۱۷ مقدمه
۳۱۹ ۱. فرض‌های قابل تصور در مورد هویت عصری یا فراعصری قرآن
۳۲۰ ۲. دیدگاه فراعصری قرآن
۳۲۲ ۳. تاریخی‌نگری قرآن
۳۲۵ ۴. نقد و نظر
۳۲۵ ۱-۴. تاریختِ حقیقت یا طبیعت؟
۳۲۶ ۲-۴. اتکاء علم و معرفت بر مبادی لایتغیر
۳۲۷ ۳-۴. آیا اندیشهٔ انسان به‌طور مطلق محکوم تاریخت است؟
۳۲۸ ۴-۴. خروج موضوعی سخن خدا از اقتضانات عصری
۳۲۸ ۵-۴. قرآن، متن الهی نه بشری
۳۲۹ ۶-۴. آیا تاریخ را می‌توان بدون فلسفه تاریخ توجیه کرد؟
۳۳۲ ۷-۴. مانایی قرآن و محدودیت‌ناپذیری مخاطبان آن
۳۳۴ ۵. عوامل مؤثر در تاریخی‌نگری مفاهیم قرآن
۳۳۴ ۱-۵. هرمنوتیک فلسفی
۳۳۴ ۲-۵. روش معرفت‌شناختی تجربی و جهان‌بینی مادی
۳۳۵ ۳-۵. ایدئولوژی لیبرالیستی
۳۳۵ ۴-۵. انسان محوری
۳۳۶ نتیجه
۳۳۶ ○ خلاصه و مرور
۳۳۸ ○ خودآزمایی معلومات
۳۳۸ ○ پژوهش و اندیشه
۳۳۸ ○ منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی
۳۳۹ منابع و مآخذ
۳۵۹ نمایه‌ها

مقدمه ویراست دوم

متن پیش رو ویراست دوم کتاب زبان قرآن و مسائل آن است که تقدیم جامعه علمی کشور می شود. باید اذعان نمود که اقبال امروز جامعه فرهنگی ما به آثار تخصصی در حوزه های گوناگون علمی مایه خرسندی و نشانه واضحی از رشد علم و فرهنگ در ایران اسلامی است. به گمان نگارنده، تحول در علوم انسانی آنگاه صورت خواهد گرفت که متفکران ما چشمی دوسویه بر میراث علمی، سنت های فرهنگی و یافته های دنیای جدید در موضوعات و مسائل مورد کاوش خود داشته و تمام توان فکری و خلاقیت ذهنی خویش را در کار آورند و به انگیزه یافتن راهی نوین و ایده ای جدید، گام بردارند. این همه البته منوط به حمایت همه جانبه و عینی نهادها و مسئولان و متصدیان کشور است.

نویسنده از آغاز، این اثر را از منظر بومی سازی یکی از موضوعات نوپدید تلقی نمود که در غرب عنوان شد و رویکردی مناسب با مبانی فکری و فرهنگی زادگاه خویش یافت. براساس این نگرش، دیدگاه مسلمانان به زبان متن دینشان البته نمی تواند مطابق همان راهبردی باشد که دانشمندان غرب در تحلیل زبان متون دینی خویش برگزیده اند. بدین رو بازبینی و ویرایش متن حاضر، مبتنی بر همان رویکرد است که اشاره شد. دگرگونی های پدیدآمده در ویراست دوم، به طور عمده رهاورد تأملات مکرر نویسنده و تذکارات دانشجویان فاضل دوره های دکتری است. البته در این میان فصل نهم خود داستانی ویژه دارد؛ این فصل که بازخوانی نویی یافته، دیدگاه خاص نویسنده در مسئله شیوه زبان قرآن است که با عنوان «منطق گفتمان قرآن، زبان عرفی فراعرفی» عرضه شده است. همچنین نظریه «مفاهیم دین با زبان تصویری» از فصل واقع گرایی و شناختاری بودن زبان

دین (فصل ششم) به فصل نمادگرایی در زبان دین (فصل پنجم) منتقل شده است. بندهایی نیز به مباحث «خودآزمایی معلومات»، «پژوهش و اندیشه» و «منابعی برای مطالعه و دانش‌افزایی» در آخر فصل‌ها افزوده شده است.

در پایان شایسته است از همه بزرگوارانی که نقشی در بهینه‌سازی این اثر داشته‌اند،

سپاسگزاری کنم.

الحمد لله أولاً و آخراً

دی ۱۳۹۰

مقدمه

زبان دین امروز یکی از موضوعات مهم در فلسفه دین است که مسائل گوناگونی را در بر می‌گیرد. برخی از این مسائل البته دیرینه و کهن است: شیوه پیام‌رسانی الهی به مردم آیا همان زبان عرف عقلاست یا عرف ویژه؟ دین تنها دارای زبان ظاهری و یک‌بعدی است یا آنکه در عین برخورداری از زبان ظاهری دارای زبان تأویل‌پذیر و چندبعدی است؟ این پرسش‌ها نمونه پرسش‌های سنتی است که به حسب نیاز تفسیر متون دینی از دیرباز مطرح بوده است. اما برخی دیگر از این مسائل کاملاً جدید است یا دیدگاه‌هایی نویافته است. معنا و معناداری گزاره‌ها و آموزه‌های دین، بررسی نقش و کارکرد زبان دین از منظر انگیزشی و واقع‌گرایی، حیرت‌آفرینی یا فیصله‌بخشی زبان دین، تأثیرپذیری یا تأثیرناپذیری زبان دین از فرهنگ و زبان عصر، نیز در این راستا قابل ارزیابی است. این سنخ مسائل که اضلاع تازه‌ای در قلمرو زبان دین و نقطه ثقل مطالعات فیلسوفان دین و متألهان است، امروز در تطبیق با قرآن کریم نیز مطرح و نیازمند تحلیل جدی است. تعیین موضع در مسائل یاد شده مبنای تفسیر و هرمنوتیک خاص قرآن را رقم می‌زند و تأثیر راهبردی در تفسیر قرآن دارد.

نویسنده وقتی سال‌ها پیش موضوع زبان قرآن را به پژوهش گذاشت که این موضوع در محافل آموزشی ما چندان شناخته نبود. اما امروز این موضوع بحمدالله یکی از دروس دوره تکمیلی در برخی از رشته‌های الهیات است. دیدگاه این‌جانب آن است که پس از طرح و پردازش موضوعات نوپدید و با گذر از دوره تمهیدی، جامعه علمی ما نباید گرفتار ایستایی، خودفریبی و موازی‌کاری‌های بیهوده گردد؛ بلکه از این پس باید جهت‌گیری پژوهش در آن موضوع به سمت مسئله‌شناسی و حرکت در مسیر نظریه‌پردازی معطوف

باشد. از این رو از جمله تفاوت‌های این اثر با کتاب تحلیل زبان قرآن، ساختار مسئله‌شناسانه و پردازش محتوایی این مسائل است، تا زمینه پیدایش دیدگاه‌های نو فراهم آید. افزون بر نگاه مسئله‌شناسی، رویکرد آموزشی نیز در تدوین این متن مورد نظر بوده است. ساختار هندسی و محتوای علمی این اثر که حاصل مطالعات پیوسته و تدریس مکرر برای دانش‌پژوهان سطوح عالی حوزه و دانشگاه است، منشأ تفاوت‌های اساسی میان این متن و کتاب تحلیل زبان قرآن است.

بنابراین تلاش شده است در سیری منطقی نخست مفاهیم مربوط به پژوهش از جمله اصطلاحات زبان، زبان دین و زبان قرآن توضیح یابد، سپس مسائل مطرح در زبان دین و نگرش‌های سنتی و دیدگاه‌های جدید غرب بیان شود تا زمینه مناسبی برای ورود به مسائل زبان قرآن و ضرورت طرح آنها فراهم آید. یک فصل از این بخش به دیدگاه‌های سنتی اختصاص یافته، لکن بی‌معنایی زبان دین، کارکردگرایی زبان دینی، نمادگرایی در زبان دینی و واقع‌گرایی انتقادی، فصول چهارگانه‌ای است که به دلیل اهمیت آنها به گزارش و نقد دیدگاه‌های جدید غرب در قلمرو زبان دین اختصاص یافته است. تمایز مبانی و زمینه‌های فکری اسلام و آیین غرب، فصلی است که به‌طور راهبردی نقطه انفصال رویکرد ما در تحلیل زبان قرآن و دیدگاه‌های جدید غرب در زبان دین را رقم می‌زند. پس از این مباحث تمهیدی که نقش کلیدی در چگونگی تبیین زبان قرآن دارد، فصول بعد به صورت تفصیلی مسائل زبان قرآن را بررسی می‌نماید. در این بخش نخست زبان قرآن در مفردات تحقیق می‌شود، آنگاه مسائل متعلق به حوزه جملات قرآن بررسی می‌شود. معنا و معناداری زبان آموزه‌ها و گزاره‌های قرآن، فصلی است که به مفهوم و معیار معناداری و چگونگی معناداری زبان قرآن می‌پردازد و موضع ما را در معناداری زبان قرآن تعیین می‌کند. شیوه‌شناسی زبان قرآن فصل دیگری است که نویسنده در طی آن دیدگاه‌های گوناگون را ارزیابی کرده است، و نظریه ویژگی محور را ارائه می‌نماید. کارکردشناسی زبان قرآن فصل دیگری است که زبان قرآن را از منظر دو نوع کارکرد نظری و عملی بررسی می‌کند. در فصل یازدهم که ادامه و تکمیل فصل قبل است، درباره مبانی و دلایل معرفت‌بخشی (حاکی بودن از واقعیت) گزاره‌ها و آموزه‌های قرآن بحث می‌شود. فصل دوازدهم «حیرت‌آفرینی یا فیصله‌بخشی زبان قرآن» یکی دیگر از مسائل مطرح در زبان دین را در تطبیق با قرآن کریم بررسی نموده، جهت‌گیری ایضاحی زبان قرآن برای هدایت انسان در بینش و کنش توحیدی را تبیین و

دیدگاه معماانگاری و خاتمه‌ناپذیری منازعات متن دین را نقد می‌کند. زبان چندبُعدی قرآن ناظر به این مسئله نسبتاً قدیمی است که زبان قرآن تنها در بُعد ظاهری و در یک جهت خاص محدود نبوده، بلکه افزون بر آن، دارای اضلاع گونه‌گون و ژرفاهای باطنی نیز هست. آخرین فصل این اثر به ارزیابی یکی از مسائل بسیار مهم و مطرح در دوران جدید یعنی عصری بودن و فرهنگ زمانه اختصاص یافته است. در این فصل نیز نویسنده با تحلیلی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، قرآن را در عین ناظر دانستن به واقعیت‌های زندگی انسان، برخوردار از هویتی جاویدان می‌شمارد. نظریه‌ای که در اینجا عرضه می‌شود «نزول تاریخی و حضور فراتاریخی قرآن» است.

هدف

اهداف مورد نظر در این پژوهش را می‌توان به اختصار در امور ذیل ملاحظه کرد:

۱. تنقیح روش تفسیر قرآن با ایضاح یکی از اساسی‌ترین مبانی آن؛
۲. مسئله‌شناسی در حوزه علوم قرآن که زمینه را برای نظریه‌پردازی و تولید علم فراهم می‌سازد؛
۳. تجزیه و تحلیل مسائل مختلف متعلق به زبان قرآن با رویکرد ایجابی (پردازش نظریه) و با استناد به مبانی معرفتی استدلالی و هستی‌شناختی توحیدی.

نتایج

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان امور ذیل دانست:

۱. ارائه اطلاعات اساسی در موضوع زبان دین و زبان قرآن به عموم مخاطبان علاقه‌مند؛
۲. کشف و عرضه دیدگاه‌های بدیل متناسب با مبانی معرفتی قرآن کریم در مسائل زبان قرآن؛
۳. پاسخگویی به مهم‌ترین پرسش‌ها، نقد دیدگاه‌های ناهمخوان با مبانی اعتقادی ناظر به قرآن و زدودن شبهات در موضوع زبان قرآن؛
۴. تأمین متن آموزشی برخوردار از پشتوانه پژوهشی، متناسب با سطوح تحصیلات تکمیلی رشته‌های الهیات دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی حوزه همچون رشته تخصصی «تفسیر» و «کلام».

نوآوری

چند ویژگی ملحوظ نظر نویسنده بوده است که به احتمال از ویژگی‌های خاص این اثر باشد:

۱. رویکرد مسئله‌شناسانه به موضوع زبان قرآن که در آثار دیگر به چشم نمی‌خورد؛
۲. رویکرد ایجابی به مسائل زبان قرآن نه رویکرد دفاعی؛
۳. ارائه نظریه بدیل در مسائل زبان قرآن در مقابل نظریه‌های رقیب که در مسائل زبان دین مطرح شده است. تبیین معناداری، راهکار توجیهی معرفت‌بخشی آموزه‌ها و گزاره‌های قرآن، تبیین هنجارمندی و فیصله‌بخشی زبان قرآن، طرح زبان چندبعدی قرآن، نظریه زبان فراعصری قرآن و دیدگاه ویژگی‌محور در شیوه زبان قرآن از آرای نوی است که حاصل این پژوهش است.

در پایان از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه رئیس محترم پژوهشگاه دانشور فرهیخته جناب حجة الاسلام والمسلمین اعرافی، دام عزه، شورای محترم علمی گروه که مجال این پژوهش را فراهم آوردند و نیز همه دوستانی که در تکمیل این اثر سهمی داشته‌اند، به‌ویژه فاضل محترم آقای دکتر اسعدی عضو هیأت علمی گروه، آقای فتاحی و آقای حاج ابوالقاسمی، دانشجویان دکتری پژوهشگاه، و برادر محترم آقای محسن یوسفی کارشناس گروه علوم قرآنی سپاسگزاری می‌نمایم و توفیق و رضای الهی را برای همه عزیزان مسئلت دارم.

الحمد لله ولا قوة الا بالله

محمدباقر سعیدی روشن

خرداد ۱۳۸۸ برابر با جمادی‌الاولی ۱۴۳۰

فصل اول

کلیات و مفاهیم زبان، زبان دین و زبان قرآن

اهداف

- * تبیین مفاهیم حوزه زبان، زبان دین و ترسیم چشم‌انداز کلی مسائل زبان قرآن؛
- * شناخت مفهوم زبان، سطوح مختلف، کارکردها و تقسیمات گوناگون آن؛
- * آشنایی با فلسفه زبان و نسبت آن با زبان دین؛
- * آشنایی با مفهوم زبان دین، زمینه‌ها و مسائل آن؛
- * تبیین مسائل مهم زبان قرآن و اهمیت و ضرورت آنها.

۱. مفهوم زبان

زبان در لغت، به معنای معروف یعنی اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان و مهم‌ترین ابزار گویایی^۱ و نیز گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی یا انگلیسی،^۲ یکی از جنبه‌های اسرارآمیز وجود انسان است که با توجه به پیچیدگی و گستردگی آن پس از قرن‌ها کاوش هنوز به‌طور بایسته شناخته نشده است.

این مطلب البته مورد توافق است که: زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است. تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است.^۳ ما حتی هنگامی که در خلوت خویش در حال اندیشیدن هستیم، باز هم از توانایی زبان برخورداریم؛ بی‌آنکه گفتاری در میان باشد. همین‌طور کسانی که بر اثر حوادث یا به‌طور مادرزاد از تکلم محروم‌اند، از نعمت زبان بی‌بهره نیستند؛ جز اینکه به هنگام استفاده از آن به جای علائم آوایی یا گفتار، از نمودهای حرکتی (حرکت دست و لب) کمک می‌گیرند.

۱. ر.ک: مشیری، نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، ص ۵۳۴.

۲. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، ص ۱۱۱۳۰. ۳. ر.ک: باطنی، زبان و تفکر، ص ۱۱۲.

بدین رو این مطلب درخور تأکید است که مفهوم زبان در اصطلاح زبان‌شناسی، به معنای توانمندی ساخت نشانه‌های لفظی برای انتقال معانی، نوعی استعداد ویژه برای آدمی و نظامی فراگیر و کلی است، و تکلم و گفتار جنبه فردی و قومی به خود می‌گیرد. به سخن دیگر، زبان در اضافه به یک فرد (زبان حافظ) یا رشته و گرایش علمی و دینی (زبان فلسفه، زبان دین، زبان قرآن)، از طبیعت کلی و بی صورت خود خارج شده، صورت خاصی پیدا می‌کند.

۲. کاربرد واژه در قرآن

واژه «لسان» در لغت عرب، به معنای زبان، وسیله گویش و لغت گویش است.^۱ ملاحظه کاربردهای قرآنی این واژه نشان می‌دهد که «لسان» و معادل‌های آن در معانی ذیل به کار رفته است: یک؛ عضو گوشتی^۲ درون دهان که با رشته عضلات نرم و لطیف در سخن گفتن، گرفتن و گردانیدن غذا او را یاری می‌رساند: *وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ*.^۳

دوم؛ به مفهوم «لغت و گویش» که هر قوم و ملتی زبان ویژه‌ای دارد.^۴ ابن منظور می‌نویسد: *و قوله عز وجل: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ؛*^۵ «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستایم».

به همین معناست آیه ۱۰۳ سوره نحل: *يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ؛* «آنان می‌گویند: جز این نیست که بشری به او می‌آموزد؛ (چنین نیست، زیرا) زبان آن کس که (قرآن را) به او نسبت می‌دهند، غیر عربی است و این (قرآن به) زبان عربی روشنی است».

سومین مفهومی که می‌توان برای کلمه «لسان» در قرآن استفاده کرد، «بیان و گفتار» است. *وَأَجَى هَنُورُهُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ...؛*^۶ «و برادرم هارون زبان آورتر از من است، پس، او را با من بفرست».

دو آیه ذیل نیز همین معنا را می‌رسانند: *وَأَخْلَلُ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي؛*^۷ «به من نیروی گفتار رسا و بیان کامل عطا کن»، زیرا هیچ نوع کاستی و گرهی در زبان طبیعی موسی عليه السلام نبوده است.^۸

۱. ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۸۸۵، ماده «لسن»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۵.

۲. راغب، مفردات، ص ۷۴۰.

۳. بلد، ۹.

۴. ر.ک: راغب، مفردات، ص ۷۴۰.

۵. ابراهیم، ۴.

۶. قصص، ۳۴.

۷. طه، ۲۷.

۸. ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، در ذیل آیه فوق.

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ؛^۱ «کافران از بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شده اند».

واژه «بیان» در عبارت شریف عَلَّمَهُ الْبَيَانَ^۲ مفهوم استعداد و توان تکلم در انسان را می‌رساند. این تعبیر شاید نزدیک‌ترین معنا نسبت به اصطلاح علمی زبان باشد. از این رو مفسران می‌نویسند:

«بیان» آشکار نمودن یک چیز است و غرض از آن همان اظهار مافی الضمیر است و این از شگفت‌ترین نعمت‌ها و تعلیم آن به انسان از عنایت‌های ویژه خدا به آدمی است.^۳

بیان یا گفتار، تنها به کار گرفتن ریه و حنجره و ایجاد صدا نبوده، بلکه استعدادی ویژه در وجود انسان است که او را قادر می‌سازد تا از توالی اصوات و آواها، حروف و از ترکیب حروف، علائمی برای رساندن مفاهیم بسازد و از این طریق تفهیم و تفاهم و ارتباط اجتماعی برقرار نماید.

۳. ارتباط لفظ و معنا

چنان که گفته شد توانایی ارائه معنا از طریق گفتار، از ویژگی‌های انسان است. از سوی دیگر اساسی‌ترین عنصر زندگی اجتماعی بشر نیز ارتباط با دیگران است. از آنجا که انسان برای انتقال داشته‌های ذهنی خود یا گزارش اشیاء خارجی نمی‌تواند به‌طور مستقیم خود آنها را به مخاطب ارائه کند، ناگزیر برای این منظور مناسب‌ترین وسیله تفهیم و تفاهم، بهره‌گیری از نشانه‌های زبانی (الفاظ) را به کار می‌برد.^۴

زبان انسان، ترکیبی از دو عنصر لفظ و معناست. علائم و نشانه‌های کلامی، مرتبط با واقعیت‌های بیرونی و بیانگر معانی است. این ارتباط چنان وثیق است که در فضای تعامل خویش با دیگران، هنگامی که سخن گوینده‌ای را می‌شنویم، ذهن ما بدون توجه به صورت الفاظی که او ابراز می‌کند یکسر با معانی روبه‌رو می‌شود، چندان که زشتی و زیبایی معنا باعث محبوبیت یا منفوریت الفاظ می‌شود. در هر نشانه سه عنصر وجود دارد: دال یا نشانه، مدلول یا معنا و رابطه میان آن دو که دلالت نام دارد. نزد پاره‌ای از منطقیان برای رسیدن از

۱. مائده، ۷۸. ۲. الرحمن، ۴.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۹۵-۹۶ با تلخیص و گزینش.

۴. نجفی، مبانی زبان‌شناسی، ص ۲.

نشانه به شیء، یا عین خارجی، باید از هر دو مرحله (دلالت) گذشت: دلالتِ دال بر مدلول و دلالتِ مدلول بر شیء خارجی.^۱

۴. سطوح گوناگون در زبان گفتاری

زبان در نمود گفتاری خود سطوحی دارد که اشارهٔ مختصر به آن بی‌ارتباط با مباحث آینده نیست.

۴-۱. سطح نظام آوایی

صداها و قواعد ترکیب آنها که ساخت‌های آوایی را می‌سازند نخستین سطح از نمود گفتاری زبان است که واج‌شناسی نام دارد. کلمهٔ «بار» از حروف «ب»، «ا» و «ر» تشکیل شده است که به هر یک از صداهای این کلمه، به اعتبار تلفظ، واج می‌گویند، همان‌طور که به اعتبار کتابت حرف می‌نامند. واج کوچک‌ترین واحد صوتی زبان است که معنا ندارد، اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند؛ مثلاً اگر در واژهٔ «سر» به جای واج «س»، واج «پ» بگذاریم، می‌شود «پر» و معنای واژه عوض می‌شود. همچنین اگر در واژهٔ گُل به جای «ئ»، «ب» بگذاریم، واژه‌ای جدید با معنای دیگر ساخته می‌شود. پس «ئ» واج است.

۴-۲. سطح نظام دستوری

نشانه‌های زبان و قواعد ترکیب آنها به منظور ساختن کلمات، عبارات و جملات، سطح دیگری از نمود گفتاری زبان است. این سطح خود دو بخش صرف و نحو دارد، که در بخش صرف نشانه‌های ساده مانند: باغ، بان (باغبان) و ترکیب تکواژه‌ها تا حد کلمات مشتق مثل «باغبان» و کلمات مرکب مثل «کتابخانه» یاد می‌شود. در بخش نحو نیز به شیوهٔ ترکیب کلمات تا سطح گروه و انواع آن توجه می‌شود.

جملهٔ مستقل بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیست. مانند: گلستان سعدی (نهاد)، مجموعه‌ای از پندها و حکمت‌هاست (گزاره).

جمله سخنی است تشکیل‌یافته از یک یا چند گروه که به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شود و پس از جملهٔ مستقل، بزرگ‌ترین واحد زبان است. «دانشگاه محل پژوهش است».

۱. ر.ک: طوسی، اساس الاقیاس، ص ۶۳.

گروه پس از جمله، بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود و در ساختمان جمله به کار می‌رود؛ مثل: اجرام، اجرام آسمانی، مطالعه اجرام آسمانی. واژه یکی از واحدهای زبانی است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر، یعنی گروه، به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد، مثل «میز»، یا مفهومی غیر مستقل داشته باشد، مثل «در، که».

تکواژ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می‌شود، تکواژ گاهی معنا و کاربرد مستقل دارد، مثل «میز»، در این صورت آن را تکواژ آزاد می‌نامند؛ گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگری به کار می‌رود که آن را تکواژ وابسته می‌نامند؛ مثل «گار» در واژه پرهیزگار.

بدین‌رو ساختار زبان بر این اساس شکل می‌گیرد: واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله و جمله مستقل.

۳-۴. سطح نظام معنایی

اهالی یک زبان چگونه منظور یکدیگر را درک می‌کنند، چرا برخی از واژه‌ها را «مستعمل» و برخی را «مهمل» می‌دانند، بعضی جمله‌ها را معنادار می‌دانند و می‌پذیرند و بعضی را بی‌معنا می‌پندارند و رد می‌کنند؛ در صورتی که ممکن است تعدادی از جمله‌ها را هرگز نشنیده باشند؟ به عبارت دیگر، دریافت معنا چگونه انجام می‌شود؟ این مطلب بیش از هر چیز به سطح نظام معنایی مربوط می‌گردد. معنی‌داری واژه‌ها در هر جامعه زبانی چون فارسی، انگلیسی، عربی و غیره، پیش از هر چیز وابسته به وضع آنها در آن زبان است. برای مثال کلمه زید در زبان عربی دارای وضع است و مستعمل به شمار می‌آید، اما واژه دیز فاقد وضع و مهمل است. اما معنی‌داری در سطح جملات، افزون بر این مشروط است به: یک؛ رعایت نظم دستوری و درستی ترکیب واژه‌ها در هر جامعه زبانی، دوم تناسب و همگرایی واژه‌ها و روابط مفهومی آنها با یکدیگر. پس کلمات بیگانه از هم نمی‌توانند مفهوم و مقبول افتند. اگر این شرایط برقرار بود جمله معنی‌دار و مستعمل خواهد بود.

البته باید توجه داشت که چون زبان یک دستگاه است، تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر آن، در ارتباط آنها با سایر عناصر میسر است. اگر به این دو جمله بنگریم: «علی نشسته است»، «این واژه نشسته است»؛ جمله دوم غیر مستعمل و بی‌معنا می‌نماید؛

زیرا در نظام معنایی زبان فارسی بین لفظ «نشستن» و حالت وضعیت خاص شخص در جهان خارج - کار یا فعلی که از کسی سر می‌زند - پیوندی آشنا وجود دارد. ولی همین کلمه با اندکی تغییر در جمله دوم نیز معنادار می‌شود، مثل اینکه بگوییم: «این واژه، در این جمله خوش نشسته است».

نکته دیگر آن است که هر واحد زبانی دو معنای مستقیم و غیر مستقیم دارد؛ معنای مستقیم یعنی معنای روشن و مشخص آن واحد و معنای غیر مستقیم یعنی معنای حاصل از همنشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر. اگر به این دو جمله توجه کنیم: «چه ماه روشنی! چه ماه دور و درازی!»، می‌بینیم که واژه‌های روشن و دور و دراز علاوه بر معنای مشخص خود، از طریق رابطه همنشینی، در تشخیص معنای «ماه» نیز کمک می‌کنند و در حقیقت، به کمک آن دو می‌فهمیم که منظور از ماه نخست، ماه آسمانی و منظور از ماه دوم، یکی از دوازده ماه سال است.

نیز می‌توان گفت کلمات به تنهایی حامل معنای اثباتی نیستند و باید در جمله بیایند تا معنا را کامل برسانند. بعضی از کلمات نیز به تنهایی اصلاً نمی‌توانند خود را بشناسانند و لازم است در زنجیره سخن قرار گیرند. یافتن معنا در پاره‌ای موارد نیز آسان نیست؛ مثلاً همه معنای واژه‌های «دست»، «بالا» و «بسیار» را می‌فهمیم، اما وقتی با این واژه‌ها جمله: «دست بالای دست بسیار است» را می‌سازیم، نمی‌توان با فهم معنای وضعی و فردی آنها معنای کل جمله را دریافت کرد.

۵. تقسیمات زبان

زبان گفتار بر اساس محتوا و چگونگی انتقال مطلب، به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شود. در اینجا به برخی تقسیم‌ها که در زبان دین نیز کارایی قابل توجه دارد، اشاره می‌شود.

۱-۵. زبان اخباری و انشائی

تقسیم‌بندی محوری زبان، تقسیم زبان به «زبان اخباری» و «زبان انشائی» است. جملات با ملاحظه معنا و مفادشان دو گونه‌اند: یکی جملات قابل صدق و کذب که آنها را اخباری نامند،^۱ دوم جملات غیر قابل صدق و کذب که آنها را انشائی نامند. جملات انشائی اقسام

۱. ر.ک: مظفر، المنطق، ص ۵۸.